

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودیکه‌ای - شماره سی‌وهشت

Jeff Pippenger

2026-01-30

شماره سی‌وهشت

آزمون نان آسمانی، در ایام عیسی، امگای شاگردی بود، و نیز نسبت به آزمون مَنّا که در آلفای تاریخ عهد اسرائیل باستان متجلی است، امگا بود. آغاز، مَنّا بود؛ انجام، نان آسمانی. امگا همواره بزرگ‌ترین است؛ از این رو، بزرگ‌ترین روی‌گردانی شاگردان، کفرناحوم را به منزله امگا در تاریخ مسیح و در آزمون شاگردی نشان می‌دهد.

آنگاه عیسی به شاگردان خود گفت: اگر کسی بخواهد از پی من آید، باید خویشتن را انکار کند و صلیب خود را بردارد و مرا پیروی کند. زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ و هر که به خاطر من جان خود را از دست بدهد، آن را خواهد یافت. زیرا انسان را چه سود است اگر تمام جهان را به دست آورد و جان خویش را از دست بدهد؟ یا انسان در عوض جان خود چه خواهد داد؟ زیرا پسر انسان در جلال پدر خود با فرشتگانش خواهد آمد، و آنگاه هر کس را بر حسب اعمالش جزا خواهد داد. به راستی به شما می‌گویم: برخی از کسانی که در اینجا ایستاده‌اند، تا آن‌گاه که پسر انسان را ببینند که در پادشاهی خود می‌آید، مرگ را نخواهند چشید. متی ۲۴:۱۶-۲۸.

کفرناحوم یک آزمون امگا است. آزمون کفرناحوم همان آزمون روغن در مَثَل ده باکره است؛ که از ندای نیم‌شب آغاز می‌شود و دوره‌ای را می‌گشاید که دربرگیرنده این است که باکرگان نادان درمی‌یابند که روغن ندارند. سپس، هنگامی که به در رو به بسته شدن قانون روز یکشنبه نزدیک می‌شوند، به وحشت می‌افتند، چنان‌که در بحران کفرناحوم در یوحنا ۶:۶۶ نمایانده شده است. از منظر نبوی آنان «شرمسار» اند.

اینک، خداوند یهوه می‌فرماید: «هان، روزهایی می‌آید که در زمین قحطی خواهیم فرستاد؛ نه قحطی نان، و نه تشنگی آب، بلکه قحطی شنیدن کلام خداوند. و از دریایی تا دریای دیگر، و از شمال تا به مشرق، آواره خواهند شد؛ این سو و آن سو خواهند دوید تا کلام خداوند را بجویند، اما آن را نخواهند یافت. در آن روز، دوشیزگان زیبا و جوانان از تشنگی مدهوش خواهند شد. آنان که به گناه سامره قسم می‌خورند و می‌گویند: ای دان، خدای تو زنده است؛ و: طریقت بئرشیع زنده است؛ همانان خواهند افتاد و دیگر هرگز برنخواهند خاست.» عاموس ۸:۱۱-۱۴

آزمون امگا در کفرناحوم نمونه آزمون امگایی است که پس از آزمون بنیادین سال ۲۰۲۴ فرا می‌رسد. آزمون امگا همان جایی است که عروس پیش از قانون یکشنبه مهر می‌شود. همان‌جاست که جدایی برای همیشه نهایی می‌گردد، زیرا چون او پاک گردد، دیگر هیچ بیگانه‌ای (غیریهودیان) هرگز تا ابد از میان اورشلیم نخواهد گذشت.

و خداوند نیز از صهیون غرش خواهد کرد و از اورشلیم صوت خود را برخواهد آورد، و آسمان‌ها و زمین متزلزل خواهند شد؛ لیکن خداوند امید قوم خود و قوت پنی اسرائیل خواهد بود. پس خواهید دانست که من، خداوند خدای شما، ساکن در صهیون، کوه مقدس من، هستم: آنگاه اورشلیم مقدس خواهد شد و دیگر بیگانه‌ای از او نخواهد گذشت.

و در آن روز چنین خواهد شد که شراب نو از کوه‌ها فرو خواهد چکید، و شیر از تپه‌ها روان خواهد شد، و همه رودهای یهودا پر از آب و جاری خواهند شد، و چشمه‌ای از خانه خداوند برخواهد آمد و دره شتیم را سیراب خواهد کرد.

مصر ویرانه خواهد شد، و ادوم بیابانی ویران خواهد شد، به سبب خشونتی که بر فرزندان یهودا روا داشتند، زیرا در سرزمین ایشان خون بی‌گناه ریخته‌اند. اما یهودا تا ابد ساکن خواهد بود، و اورشلیم از نسلی به نسل دیگر. زیرا خون ایشان را که پاک نکرده بودم پاک خواهم کرد، زیرا خداوند در صهیون ساکن است. یوئیل ۱۶:۳-۲۱

اورشلیم در مراحل نهایی داوری تحقیقی از گناه تطهیر می‌شود؛ جایی که، در زکریا باب سه، جامهٔ کتان سفید فیلادلفیا به یهوشع داده می‌شود تا به‌جای جامهٔ چرکین لاودیکیه بپوشد. «آن‌گاه اورشلیم مقدس خواهد شد و دیگر بیگانه‌ای از میان او نخواهد گذشت»، زیرا گندم از زوان جدا شده و چون قربانی نخستینه گردآوری گردیده است. این امر در آزمون اُمگا رخ می‌دهد، و رخ می‌دهد آنگاه که روزنه‌های آسمان گشوده می‌شوند و عیسی گوهرها را در صندوقچه می‌افکند و به جهان می‌فرماید: «ببایید و ببینید.» «ببایید و ببینید» علم پادشاهی‌ام، عروسم، پیشکش لاویانم همچون ایام قدیم. «ببایید و ببینید» هیکل مرا، صندوقچه پر از گوهرم، که هر یک مهیا شده تا جزئی از تاج پادشاهی جلال باشد.

آزمون آلفای بنیادی سال ۲۰۲۴، به آزمون اُمگای هیکل منتهی می‌شود. آزمون اُمگا هنگامی رخ می‌دهد که روزنه‌های آسمان گشوده می‌شوند، یعنی آنگاه که عروس خود را مهیا می‌سازد. باکره‌های نادان و پیام باران پسین ایشان دربارهٔ سلامتی و امنیت کاذب، به وسیله باد از روزنه‌های گشوده به بیرون رانده می‌شوند، زیرا پیام این تاریخ، پیام باد شرقی است. این پیام، همان باد سخت اشعیاست که در روز باد شرقی بازداشته می‌شود؛ و همان چهار باد یوحناست که در زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار بازداشته می‌شوند.

فرشتگان چهار باد را مهار کرده‌اند؛ این چهار باد به صورت اسبی خشمگین به تصویر کشیده شده که در صدد است از بند رها شود و بر سراسر چهره زمین بتازد و در مسیر خود ویرانی و مرگ را به همراه می‌آورد.

«آیا در آستانهٔ جهان ابدی به خواب رویم؟ آیا کسل و سرد و مرده باشیم؟ آه، ای کاش در کلیساهای مان روح و دم خدا در قوم او دمیده شود تا بر پاهای خود بایستند و زنده شوند.»
انتشارات دست‌نوشته‌ها، جلد ۲۰، صفحه ۲۱۷.

آنان که آن پیام باد شرقی اسلام را رد می‌کنند، به وسیله باد—همان نماد تمردشان—از پنجره به بیرون رانده می‌شوند. خاکروبه خطا برای همیشه بر طبقه بی‌خردانی که روغن ندارند چسبیده است. افرایم بار دیگر به بت‌های خویش پیوسته است. ایشان فزونی معرفت در باب زمان مهرگذاری و نسبت آن با اسلام وای سوم را رد کردند. خدا جلال پیام باران پسین جعلی‌شان را به «نگ» مبدل خواهد ساخت.

قوم من به سبب فقدان معرفت هلاک می‌شوند؛ زیرا تو معرفت را رد کرده‌ای، من نیز تو را رد خواهم کرد تا برای من کاهن نباشی؛ از آن‌رو که شریعت خدای خود را فراموش کرده‌ای، من نیز فرزندان تو را فراموش خواهم کرد.

چون فزونی یافتند، همان قدر بر من گناه ورزیدند؛ از این‌رو جلالشان را به ننگ مبدل خواهم ساخت. گناه قوم مرا می‌خورند و دل خود را بر گناهکاری ایشان می‌نهند. و چنین خواهد شد: مثل قوم، مثل کاهن؛ و ایشان را بر حسب راه‌هایشان مجازات خواهم کرد و اعمالشان را به ایشان جزا

خواهم داد. زیرا خواهند خورد و سیر نخواهند شد؛ زنا خواهند کرد و فزونی نخواهند یافت؛ زیرا از توجه به خداوند دست برداشته‌اند. زناکاری و شراب و شراب تازه دل را می‌ربایند. قوم من از چوب‌های خود مشورت می‌جویند و عصای ایشان به ایشان خبر می‌دهد؛ زیرا روح زناکاری ایشان را به گمراهی کشانده است و از زیر خدای خود زنا کرده‌اند. بر فراز کوه‌ها قربانی می‌کنند و بر تپه‌ها بخور می‌سوزانند، زیر بلوط‌ها و صنوبرها و نارون‌ها، زیرا سایه آنها خوش است؛ از این رو دختران شما زناکاری خواهند کرد و عروسان شما زنا خواهند نمود. من دختران شما را، چون زنا کنند، مجازات نخواهم کرد و نه عروسان شما را، چون زنا نمایند؛ زیرا خود با فاحشه‌ها خلوت می‌کنند و با روسپیان قربانی می‌نمایند؛ از این رو قوم بی‌فهم درخواهد افتاد.

هرچند تو، ای اسرائیل، زنا می‌ورزی، اما مباد که یهودا گناه ورزد؛ به جلال نیابید و به بیت‌آون بالا نروید، و سوگند مخورید: «خداوند زنده است.» زیرا اسرائیل همچون گوساله ماده واپس‌رونده می‌لغزد؛ اکنون خداوند ایشان را چون بره‌ای در مکانی فراخ خواهد چرانید.

افرایم به بت‌ها پیوسته است؛ او را به حال خود واگذارید.

شراب ایشان ترش شده است؛ پیوسته زنا کرده‌اند؛ سروران او ننگ را دوست می‌دارند: «بدهید.» باد او را در بال‌های خویش بسته است، و ایشان به سبب قربانی‌های خود شرمسار خواهند شد. هوشع 4:6-19.

خاشاکی که برچیده می‌شود، هم خود باکره‌های نادان است و هم تعالیم خطایی که باکره‌های نادان بدان پیوسته‌اند. ما همانیم که می‌خوریم، و آنان پیام باد شرقی را رد کردند، و به جای آن، دروغی را برگزیدند که گمراهی شدید را در پی دارد، و به پیام جعلی صلح و امنیت باران دیرهنگام خود پیوستند. شراب نو یوئیل از دهان‌های ایشان قطع شده است؛ همان‌جا که ارمیا دهان خدا می‌گردد.

"با ردّ حقیقت، آدمیان مبدع آن را رد می‌کنند. با پایمال کردن شریعت خدا، آنان اقتدار شارع را انکار می‌کنند. به همان آسانی که می‌توان از چوب یا سنگ بت ساخت، می‌توان از تعالیم و نظریه‌های باطل نیز بت ساخت. با تحریف صفات خدا، شیطان آدمیان را بر آن می‌دارد که او را در هیاتی کاذب تصور کنند. نزد بسیاری، بتی فلسفی به جای یهوه بر تخت نشانده شده است؛ حال آنکه خدای زنده، چنان‌که در کلام خویش، در مسیح، و در آثار آفرینش آشکار شده است، جز از سوی اندکی پرستیده می‌شود. هزاران تن طبیعت را الوهیت می‌بخشند، در حالی که خدای طبیعت را انکار می‌کنند. هرچند به صورتی دیگر، بت‌پرستی امروز در جهان مسیحیت به همان‌سان واقعی است که در میان اسرائیل باستان در روزگار ایلیا بود. خدای بسیاری از مدعیان حکمت، از فلاسفه، شاعران، سیاستمداران، روزنامه‌نگاران—خدای محافل آراسته و مدپسند، خدای بسیاری از کالج‌ها و دانشگاه‌ها، حتی برخی از مؤسسات الهیاتی—نه چندان بهتر از بعل، خدای خورشید فنیقیه، است." مناقشه عظیم، ۵۸۳.

در رؤیای میلر، هنگام تمییز حقیقی از دروغین، باد دوشیزگان دروغین را بیرون می‌برد، در حالی که خداوند در طی آزمون درونی امگای پنجره گشوده، بر عروس خویش مهر می‌نهد.

اینک، من فرستاده خود را می‌فرستم، و او راه را پیش روی من مهیا خواهد کرد؛ و خداوندی که او را می‌جوید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد، همان فرستاده عهد که در او خوشی می‌یابید. اینک، او خواهد آمد، می‌گوید خداوند لشکرها. اما کیست که بتواند روز آمدنش را تاب آورد؟ و چون ظاهر شود، چه کسی می‌تواند بایستد؟ زیرا او چون آتش پالاینده است و مانند صابون رخت‌شویان. و او چون پالاینده و پاک‌کننده نقره خواهد نشست، و پسران لاوی را پاک خواهد ساخت و ایشان را مانند طلا و نقره تصفیه خواهد کرد، تا برای خداوند قربانی را به عدالت تقدیم کنند. آنگاه قربانی یهودا و اورشلیم برای خداوند پسندیده خواهد بود، چنان‌که در ایام کهن و سال‌های پیشین. ملاکی ۱:۳-۴.

پسران لاوی، پسران آن لاویانی‌اند که در آزمون تصویر وحش هارون وفادار ماندند و سپس بار دیگر در آزمون تصویر وحش یربعام نیز وفادار ماندند. ایشان کسانی‌اند که آزمون تصویر وحش را می‌گذرانند؛ آزمونی که په‌واسطه آن سرنوشت ابدی ایشان تعیین می‌شود، و آزمونی که باید از آن بگذرند—پیش از آن که ما مهر شویم.

خداوند به‌روشنی به من نشان داده است که تصویر وحش پیش از پایان یافتن دوره آزمایش شکل خواهد گرفت؛ زیرا این، آزمون بزرگی برای قوم خدا خواهد بود که به‌وسیله آن سرنوشت ابدی آنان تعیین خواهد شد.

"این همان آزمونی است که قوم خدا باید پیش از آن که مهر شوند، از سر بگذرانند. تمام کسانی که با نگاه داشتن شریعت او وفاداری خود را به خدا ثابت کردند و از پذیرفتن سبت جعلی سر باز زدند، زیر پرچم خداوند یهوه صف خواهند بست و مهر خدای زنده را دریافت خواهند کرد. کسانی که از حقیقت آسمانی دست می‌کشند و سبت یکشنبه را می‌پذیرند، نشان وحش را دریافت خواهند کرد" تفسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، ۹۷۶.

آزمون تصویر وحش، آزمونی است که پیش از آزمون نشان وحش در هنگام قانون یکشنبه رخ می‌دهد، و باید پیش از آن که در بسته شود، پشت سر گذاشته شود.

این همان آزمونی است که پارسایان را پاک می‌سازد و نیز پارسایان را از ناپارسایان جدا می‌کند. این همان آزمونی است که در آن دانیال، شدرک، میشک و عبدنغو از حیث ظاهر، نیکوتر و فربه‌تر از کسانی به نظر آمدند که خوراک بابل را می‌خوردند. یک گروه نان آسمان خورده بود و گروه دیگر نان بابل. این همان آزمون نان در کنیسه کفرناحوم است.

از حیث ظاهری، زمانی که اکنون در آن به سر می‌بریم، زمان آزمون تصویر وحش است، یعنی اتحاد کلیسا و دولت در ایالات متحده آمریکا. زمان آزمایش درونی موازی، گروهی از دوشیزگان را که تصویر انسانیت را متجلی می‌سازند، و نیز گروه دیگری از دوشیزگان را که تصویر الهیت متحد با انسانیت را متجلی می‌سازند، شناسایی می‌کند. پس از آنکه ملاکی تطهیر و پالایش لاویان را بیان می‌کند، خدا آزمایشی را طرح می‌کند.

و برای داوری به شما نزدیک خواهم شد؛ و به سرعت بر ضد جادوگران، و بر ضد زناکاران، و بر ضد آنان که به دروغ سوگند می‌خورند، و بر ضد کسانی که به اجیر در مزدش، و نیز به بیوه و یتیم ستم می‌کنند، و غریب را از حق او محروم می‌سازند، و از من نمی‌ترسند، شهادت خواهم داد، خداوند لشکرها می‌گوید.

زیرا من، خداوند، تغییر نمی‌پذیرم؛ از این‌رو شما، ای بنی‌یعقوب، نابود نشده‌اید. ملاکی ۵:۳، ۶.

نخستین آزمون، ترس از خداست؛ و جماعتی که در آزمون فرستاده عهد مردود شدند، آنگاه با پنج محکومیت مورد خطاب قرار می‌گیرند؛ هر محکومیتی متناظر با یکی از پنج دوشیزه نادان، یعنی نگون‌بخت، بی‌نوا، فقیر، کور و عریان؛ پنج صفت نبوی برای پنج دوشیزه نادان که در عبارت «و از من نمی‌ترسند» خلاصه شده است. این همانانی‌اند که در آزمون آلفای نخستین بنیادین مردود شدند. آنان مردود شدند، زیرا درنیافتند که خدا هرگز تغییر نمی‌کند. این همانانی‌اند که در آزمون آلفای بیرونی بنیادین ۲۰۲۴ مردود شدند.

درس‌هایی هست که باید از تاریخ گذشته آموخت؛ و به این‌ها توجه داده می‌شود تا همه دریابند که خدا امروز نیز به همان شیوه‌ای عمل می‌کند که همواره کرده است. دست او اکنون در کارش و در میان ملت‌ها دیده می‌شود، درست همان‌گونه که از آن هنگام که انجیل نخستین بار در عدن به آدم اعلام شد، چنین بوده است.

دوره‌هایی وجود دارد که در تاریخ ملت‌ها و کلیسا نقطه عطف به‌شمار می‌آیند. در مشیت خدا، هرگاه این بحران‌های گوناگون فرا می‌رسند، نور مخصوص آن زمان عطا می‌شود. اگر پذیرفته شود، پیشرفت روحانی حاصل می‌گردد؛ و اگر رد شود، انحطاط روحانی و تباهی در پی می‌آید. خداوند در کلام خود کار پیش‌رونده انجیل را آشکار کرده است؛ همان‌گونه که در گذشته انجام می‌گرفت و در آینده نیز تا رویارویی پایانی ادامه خواهد یافت، زمانی که کارگزاران شیطانی آخرین حرکت شگفت‌انگیز خود را انجام خواهند داد. Bible Echo، ۲۶، اوت ۱۸۹۵.

لاودیکیان در نمی‌یابند که شیوه عمل خدا با آدمیان همواره بر یک منوال است. اگر نور یا روغن پذیرفته شود، برکت هست؛ و اگر نه، کشتی شکستگی است.

در اعصار گذشته، خداوند، خدای آسمان، اسرار خود را بر پیامبران خویش مکشوف ساخت. حال و آینده نزد او به یکسان روشن است. صدای خدا در طول اعصار طنین‌انداز است و به انسان می‌گوید که چه روی خواهد داد. پادشاهان و امیران در زمان مقرر خویش بر جای خود می‌نشینند. آنان می‌پندارند که مقاصد خود را به انجام می‌رسانند، اما در حقیقت کلامی را که خدا گفته است تحقق می‌بخشند.

پولس اعلام می‌کند که گزارش‌های معاملات خدا با نوع بشر در روزگاران گذشته «برای عبرت ما، یعنی آنان که پایان‌های عالم بر ایشان فرارسیده است، نوشته شده است.» تاریخ دانیال برای عبرت ما به ما داده شده است. «سر خداوند با ترسندگان اوست.» خدای دانیال همچنان زنده است و سلطنت می‌کند. او آسمان را بر قوم خود نیسته است. چنان‌که در عصر یهود، در این عصر نیز خدا اسرار خود را بر خادمان خود، یعنی انبیا، مکشوف می‌سازد.

رسول پطرس می‌گوید: "ما نیز کلام نبوت استوارتر داریم؛ و نیکو می‌کنید اگر به آن توجه نمایید، چنان‌که به چراغی که در جای تاریک می‌درخشد، تا روز پدمد و ستاره صبح در دل‌های شما طلوع کند؛ و نخست این را بدانید که هیچ نبوتی در کتاب مقدس، از تفسیر شخصی نیست. زیرا نبوت در روزگار گذشته به اراده انسان پدید نیامد، بلکه مردان مقدس خدا، چون از روح القدس برانگیخته می‌شدند، سخن گفتند."

بی‌ایمانان و بی‌خدایان اهمیت نشانه‌های زمان را، که در کلام نبوت از آنها پیشگویی شده است، در نمی‌یابند. در نادانی ممکن است از پذیرفتن گزارش الهام‌شده امتناع ورزند. اما هنگامی که مدعیان مسیحیت با استهزا از راه‌ها و وسایلی سخن می‌گویند که آن «هستم» عظیم برای آشکار ساختن مقاصد خویش به کار می‌گیرد، نشان می‌دهند که هم از کتاب مقدس و هم از قدرت خدا جاهل‌اند. آفریننده دقیقاً می‌داند در طبیعت انسانی با چه عناصری سروکار دارد. می‌داند برای دستیابی به نتایج مطلوب از چه وسایلی باید بهره گیرد.

کلام انسان دوامی ندارد. هر که اتکای خویش را بر ادعاهای آدمیان بنهد، به‌حق باید بلرزد؛ زیرا روزی چون کشتی شکسته‌ای خواهد شد. کلام خدا خطاناپذیر است و تا ابد باقی می‌ماند. مسیح می‌فرماید: «هرآینه به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین زایل نشوند، یک نقطه یا یک سرکش از شریعت هرگز نخواهد گذشت تا همه به انجام رسد.» کلام خدا در سراسر اعصار بی‌پایان ابدیت پایدار خواهد ماند. Youth Instructor، ۱، دسامبر ۱۹۰۳.

خدا هرگز تغییر نمی‌کند و به همان منوال که همواره کرده است عمل می‌کند.

کار خدا بر روی زمین، از عصری به عصر دیگر، در هر اصلاح بزرگ یا جنبش دینی، شباهتی چشمگیر را نشان می‌دهد. اصول برخورد خدا با انسان‌ها همواره یکسان است. جنبش‌های مهم زمان حاضر در گذشته نظایر خود را دارند، و تجربه کلیسا در اعصار پیشین برای زمان ما درس‌هایی بسیار ارزشمند در بر دارد. مناقشه عظیم، ۳۴۳.

چهار آیه نخست از باب سوم ملاکی، فرستاده‌ای را که راه را برای «فرستاده عهد» مهیا می‌کند، و نیز تصفیه و تطهیر لایوان را مشخص می‌کنند. سپس خداوند بر لاودیکیه حکم داوری صادر می‌کند و بیان می‌دارد که آنان از خدا ترس ندارند؛ یعنی در آزمون آلفای بنیادین فرشته سوم مردود شده‌اند. فقدان ترس ایشان نشان‌گر رد عمدی معرفت است، و مقصود از آن معرفتی که رد می‌کنند، پذیرفتن تاریخ فرستاده‌ای است که راه را مهیا می‌کند و نیز فرستاده الهی‌ای که پس از او می‌آید. جمیع انبیا ایام آخرین را نشان می‌دهند، و اگر جنبش اصلاحی اصیلی وجود نمی‌داشت، هیچ دلیلی برای شناسایی جنبش اصلاحی جعلی در کار نبود.

اما شیطان بیکار ننشست. او اکنون همان کاری را کوشید که در هر جنبش اصلاحی دیگری کوشیده است: اینکه با جا زدن بدلی به جای کار حقیقی، مردم را بفریبد و نابود کند. همان‌گونه که در قرن نخست کلیسای مسیحی مسیح‌های کاذب وجود داشتند، در قرن شانزدهم نیز پیامبران کاذب پدید آمدند. مناقشه بزرگ، ص ۱۸۶.

سیاق شش آیه نخست باب سوم ملاکی عبارت است از پالایش و تطهیر لایوان جنبش اصلاحی یکصد و چهل و چهار هزار. فیوچر فور آمریکا یا خود همان جنبش است، یا یکی از بدل‌های پرشمار. سپس ملاکی می‌گوید:

از همان روزگار پدران شما، از فرایض من عدول کرده‌اید و آنها را نگاه نداشته‌اید. به سوی من بازگردید و من نیز به سوی شما بازخواهم گشت، می‌گوید خداوند لشکرها. ملاکی ۷:۳.

سرکشی تدریجی در طول چهار نسل، به منزله مقدمه و زمینه کتاب یوئیل است؛ و ملاکی در اینجا، هنگامی که می‌گوید: «حتی از ایام پدران شما دور شده‌اید»، همان سرکشی تدریجی را مشخص می‌کند. از سال ۱۸۶۳، یعنی ایام پدران نسل نخست این سرکشی، آنان به طور فزاینده هرچه دورتر و دورتر از خدا رفته‌اند. اعلان علیه گناه مستمرشان با ندای لاودیکیه‌ای تلطیف می‌شود؛ ندایی که با لحنی سوگناک وعده می‌دهد که اگر تنها بازگردند، خدا نیز به سوی ایشان بازخواهد گشت.

اما شما گفتید: به کدام چیز بازگردیم؟ آیا انسان از خدا دزدی می‌کند؟ لیکن شما از من دزدی کرده‌اید. اما می‌گویید: در چه چیز از تو دزدی کرده‌ایم؟ در عشرها و تقدیمات. شما به لعنت ملعون شده‌اید، زیرا که از من دزدی کرده‌اید، حتی تمامی این قوم.

همه اعشار را به خانه خزانه بیاورید تا در خانه من خوراک باشد، و مرا اکنون بدین بیازمایید، می‌گوید خداوند لشکرها، اگر برای شما روزنه‌های آسمان را نگشایم و بر شما برکتی فرو نریزم، چنان‌که برای گنجایش آن جایی نباشد.

و من به سبب شما بلعنده را توبیخ خواهم کرد تا ثمرات زمین شما را تباه نسازد؛ و نیز تاک شما پیش از وقت در مزرعه میوه خود را نخواهد ریخت، می‌فرماید خداوند لشکرها. و همه امت‌ها شما را مبارک خواهند خواند، زیرا شما سرزمینی دلپسند خواهید بود، می‌فرماید خداوند لشکرها. ملاکی ۳:۵ تا ۱۲.

پس از آزمون بیرونی بنیادین آلفای ۲۰۲۴، آزمون درونی سنگ رأس ۲۰۲۶ فرامی‌رسد. آن آزمون سنگ رأس زمانی واقع می‌شود که پنجره‌های آسمان گشوده می‌گردند، و سه موضعی که در سیاق کلیسای ظفرمند، آن پنجره‌های گشوده در آنها معین شده‌اند، عبارت‌اند از: ملاکی باب سوم، رؤیای میلر و مکاشفه باب نوزدهم. ملاکی آلفاست، رؤیای میلر میانی است و مکاشفه امگاست. این آزمون به وساطت مسیح، در هیئت «مردی با جاروی خاکروبه» که جواهرات را به درون صندوقچه می‌افکند، تمثیل می‌شود. آن جواهرات، هم حقایقی‌اند که به کمال در نظم خود مرتب شده‌اند، و هم بقیه خزانه جایی است که خوراک گردآوری و توزیع می‌شود. همچون آزمون منا، آزمون کفرناحوم و نان

آسمان—«خوراک» موضوع است.

«گوشت» در مثل باکره‌ها روغن است، و نمایانگر منش، روح‌القدس و پیام نبوی است که روح‌القدس را به دل‌ها و اندیشه‌های کسانی که منش مسیح را پرورش می‌دهند، می‌آورد. «گوشت» همان «شراب نو»ی یوئیل است که از میگسارانِ افرایم بریده شده است. برای گذراندنِ آزمونِ درونی سنگِ رأسِ معبدِ فرشته دوم باید آزمونِ بیرونیِ آلفای نخستین بنیادین را گذرانده باشید. اگر بنیاد را نپذیرفته باشید، نمی‌توانید بخشی از معبدی باشید که بر آن بنیاد برپا شده است، اما اگر از شمار کسانی نباشید که آن آزمون بنیادین را گذرانده‌اند، خانه روحانی جعلی خود را بر شن بنا خواهید کرد. یوحنا آن خانه روحانی جعلی را «کنیسه شیطان» و ارمیا «مجمع استهزاگران» می‌خواند.

آوردنِ تمامیِ عشورها و هدایا به انبار، آزمونِ درونی‌ای است که در آن مهر نقش می‌بندد. مردِ جاروی غبار قوم باقیمانده خدا را به درون صندوقِ متسع افکند، و بدین‌سان عمل آوردنِ تمامیِ عشورها به انبار را تمثیل می‌نمود. لایوان همان هدیه افراشتنی‌اند که چون او از پنجره‌های آسمان برکتی فرو می‌ریزد، افراشته می‌شود. جواهرِ مردِ جاروی غبار، قوم باقیمانده او هستند و در اشعیا باب ششم آن قوم باقیمانده به‌عنوان عشر معرفی می‌شوند.

آنگاه گفتم: «ای خداوند، تا به کی؟» و او پاسخ داد: «تا وقتی که شهرها بی‌ساکن و ویران شوند، و خانه‌ها بی‌انسان بمانند، و زمین کاملاً ویران گردد؛ و خداوند مردم را به دوردست‌ها براند، و در میان زمین متروکی عظیمی پدید آید. اما با این همه، در آن ده یک باقی خواهد ماند، و باز خواهد گشت، و خورده خواهد شد؛ چنان‌که درخت بطم و بلوط، که هرگاه برگ‌های خود را می‌ریزند، مایه‌شان در آنها باقی است؛ همچنین نسل مقدس مایه آن خواهد بود.» اشعیا ۱۱:۱-۱۳.

خداوند، بر پایه گواهی شاهدان متعدد، پرسش «تا کی» را دال بر قانون یکشنبه مشخص می‌سازد، و در آیه سوم باب ششم اشعیا فرشتگان اعلام می‌کنند: «قدوس، قدوس، قدوس، خداوند لشکرها؛ تمامی زمین از جلال او مملو است.» خواهر وایت این را با فرشته نیرومند باب هجدهم کتاب مکاشفه پیوند می‌دهد.

هنگامی که آنان [فرشتگان] آینده را می‌بینند، زمانی که تمام زمین از جلال او پر خواهد شد، سرود پیروزمندانه ستایش به صورت نوایی خوش‌آهنگ از یکی به دیگری پژواک می‌یابد: «قدوس، قدوس، قدوس است خداوند لشکرها.» آنان از تمجید خدا کاملاً خشنودند؛ و در حضور او، زیر لب‌خند رضایتش، چیزی بیش از این نمی‌خواهند. در داشتن شباهت به صورت او، در انجام خدمت او و پرستش او، والاترین آرمانشان به‌تمامی برآورده می‌شود. ۲۲، Review and Herald، دسامبر ۱۸۹۶.

اشعیا، باب ششم، واقعه یازدهم سپتامبر را مشخص می‌سازد؛ هنگامی که زمین از جلال صدای نخست دو صدای باب هجدهم مکاشفه منور گردید. وقتی اشعیا پرسید «تا به کی»، سیر تاریخی این باب به‌عنوان دوره‌ای از یازدهم سپتامبر تا قانون یکشنبه تعیین می‌شود، جایی که صدای دوم فرا می‌رسد. اشعیا اعلام می‌کند که در هنگام قانون یکشنبه، باقی‌ماندگانی خواهند بود - که عشرند. باقی‌ماندگان در درون خود مایه‌ای دارند - روغن در ظرف‌هایشان.

اما با این همه، در آن یک‌دهم [عشر] خواهد بود، و باز خواهد گشت و خورده خواهد شد؛ همچون درخت بطم و همچون بلوط که مایه آن در آنهاست، آنگاه که برگ‌های خویش را می‌ریزند؛ بدین‌سان نسل مقدس مایه آن خواهد بود. اشعیا ۶:۳.

«یک‌دهم» کسانی‌اند که در پاسخ به دعوت ملاکی و نیز ارمیا به بازگشت، «بازگشته‌اند». ایشان درختان انسانیت‌اند، متحد با الوهیت (آن نسل مقدس). خورده خواهند شد، زیرا نه تنها پیام‌آوران‌اند، بلکه رایت قرص‌های تکان‌دانی عید پنجاه‌اند؛ ایشان همان پیامی‌اند که امت‌ها خواهند خورد.

پس خداوند چنین می‌گوید: اگر بازگردی، تو را باز خواهم آورد و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر نفیس را از پست بیرون آوری، چون دهان من خواهی بود؛ بگذار آنان به سوی تو بازگردند، اما تو به سوی ایشان باز مگرد. ارمیا ۱۹:۱۵.

ارمیا نماد کسانی است که پیامی را که در دست فرشته بود خوردند، پیامی که آزمون آلفا و بنیادی بود و با ۱۱ اوت ۱۸۴۰، ۱۸۸۸ و ۱۱ سپتامبر نمایانده شده بود، زیرا او می‌گوید که کلمات را یافت و آن‌ها را خورد.

سخنانت را یافتم و آنها را خوردم؛ و کلامت برای من شادی و سرور دل من شد، زیرا که نام تو بر من خوانده شده است، ای خداوند، خدای لشکرها. ارمیا ۱۶:۱۵.

ارمیا، هنگامی که کتابچه کوچکی در دست فرشته را خورد، به نام خدا خوانده شد، و آن پیام سبب شادی و شادمانی گردید، نه شرمساری. هنگامی که نام خدا به ارمیا اعطا می‌شود، او نماینده آن یکصد و چهل و چهار هزار نفری است که فیلادلفیان هستند.

آن‌که غالب آید، او را در هیکل خدای من ستونی خواهم گردانید و دیگر هرگز از آن بیرون نخواهد رفت؛ و نام خدای من را بر او خواهم نوشت، و نام شهر خدای من را، که اورشلیم جدید است، که از آسمان از نزد خدای من فرود می‌آید؛ و نام جدید خود را نیز بر او خواهم نوشت. مکاشفه ۳:۱۲.

ارمیا پیام یازده سپتامبر را خورد و سرخوردگی هجدهم ژوئیه ۲۰۲۰ را متحمل شد.

من در انجمن استهزاگران ننشستم و شادی نکردم؛ به سبب دست تو تنها نشستم، زیرا مرا از خشم آکندی. چرا درد من دائمی است و زخم درمان‌ناپذیر است که شفا نمی‌پذیرد؟ آیا تو به کلی برای من چون دروغگو خواهی بود و چون آب‌هایی که می‌خشکند؟ ارمیا ۱۷:۱۵، ۱۸.

«مجمع استهزاکنندگان» ارمیا، همان «کنیسه شیطان» فیلادلفیا و سمیرناست؛ آنان که می‌گویند یهودی‌اند، اما نیستند. ارمیا شادمان نشد، زیرا پیامی که اعلام کرده بود، پیامی کاذب بود که تنها شرمساری به بار می‌آورد، نه شادمانی. «زخم همیشگی ارمیا که از شفا سر باز می‌زد»، همان سه روز و نیم بود که در آن، مجمع استهزاکنندگان شادی می‌کرد، حال آنکه ارمیا، موسی و ایلیا در خیابانی که از دره استخوان‌های خشک و مرده می‌گذشت، مرده بودند. در میانه همان دوره شک و عدم یقین، خداوند از ارمیا خواست بازگردد.

پس خداوند چنین می‌گوید: اگر بازگردی، تو را بازخواهم آورد و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر گرانها را از پست بیرون آوری، چون دهان من خواهی بود. بگذار آنان به سوی تو بازگردند، اما تو به سوی آنان باز مگرد. و تو را برای این قوم دیواری برنجین استوار خواهم ساخت؛ با تو خواهند جنگید، اما بر تو غلبه نخواهند یافت، زیرا من با تو هستم تا تو را نجات دهم و برهانم، می‌گوید خداوند. و تو را از دست شریران رهایی خواهم بخشید و از چنگ جباران بازخواهم خرید. ارمیا ۱۹:۱۵-۲۱.

اگر ارمیا بازگردد، خدا او را به منزله لشکری خواهد گردانید که به دیوار مفرغی تمثیل شده است؛ دیواری که هم «شریران» و هم «دهشتناکان» بر ضد آن خواهند جنگید، ولی غالب نخواهند شد. این همان لشکر اسبان سفید است با سوارانی که در جامگان کتان سفید آراسته‌اند. آن لشکر، یا دیوار مفرغی، هنگامی برپا می‌شود که ارمیا بازگردد؛ یعنی آنگاه که او نفیس را از سخیف جدا کند. در حزقیال سی‌وهفتم، آن لشکری که بنا به گفته خواهر وایت قوم باقیمانده خداست، وقتی که بازگشته‌اند، به پا می‌خیزد. باقیمانده بازمی‌گردد، سپس چون لشکری نیرومند به پا می‌خیزد، آنگاه که نفیس را از سخیف جدا می‌کنند و آنگاه دهان خدا می‌گردند. ایشان باید کلام حقیقت را به درستی تقسیم کنند و گاه را از گندم جدا سازند، زیرا همان قواعدی را به کار می‌گیرند که پدرشان اختیار کرده

بود، که آسیابانی متخصص در تهیه نیکوترین نان بود. اگر نفیس را از سخیف؛ حقیقت را از خطا جدا سازند، ایشان دیده‌بان خدا خواهند بود آنگاه که خدا شیربان را از حکیمان جدا می‌کند.

ارمیا در سال ۲۰۲۳ به ندای بازگشت پاسخ داد، سپس در ۲۰۲۴، چون گروهی بزرگ در آزمون بنیادین «تثبیت رؤیا از سوی روم» از هم جدا شدند، مایوس گردید. ارمیا به درستی نفیس را از پست، و حق را از باطل جدا کرد و ادامه داد تا به آزمون درونی اومگا، هنگام گشوده شدن روزنه‌های آسمان، رسید. هنگامی که آسمان‌ها گشوده شوند، کلیسای ظفرمند خود را مهیا ساخته است. او از آزمون بنیادین بیرونی آلفا گذشت، سپس از آزمون درونی اومگای روزنه‌های آسمان نیز گذشت. او یا می‌گذرد و جزئی از لشکر خدا می‌شود، یا باد او را از روزنه‌ها بیرون می‌راند. او به سرزمینی پهناور افکنده می‌شود، چنان‌که شب‌ها در اشعیا بیست و دو؛ یا به صندوقچه افکنده می‌شود. او یا به صندوقچه افکنده می‌شود، یا از هیکل بیرون افکنده می‌شود، چنان‌که نمیا طویبا را بیرون افکند یا مسیح صرافان را بیرون راند. هنگامی که مرد جاروی گردوخاک جواهر را در صندوقچه می‌نهد، آن صندوقچه یا کلام خدا در چارچوبی نو از حقیقت است، یا صندوقچه همان هیکل خداست؛ که هر دو نماد مسیح‌اند، و مسیح نباید تقسیم گردد.

آیا مسیح منقسم شده است؟ آیا پولس برای شما مصلوب شد؟ یا شما به نام پولس تعمید یافتید؟ اول قرن‌تین ۱:۱۳

مسیح از پولس منفک نیست. الوهیت از انسانیت پولس منفک نبود. هنگامی که پولس، به حیث انسان، به نام الوهیت تعمید می‌داد، هیچ انفصالی در کار نبود، زیرا فرستاده انسانی با پیام الهی مقترن است. پولس به الوهیت پیوسته بود با همان قطعیتی که افرایم به بت‌های خویش پیوسته بود.

آنان که در رؤیای میلر به درون هیکل (صندوقچه) افکنده می‌شوند، همان عشور باب سوم ملاکی‌اند که باید به خانه‌خزانه آورده شوند؛ جایی که خوراک اندوخته و توزیع می‌شود. آن خانه‌خزانه همان هیکل یکصد و چهل و چهار هزار است، یا به گفته پطرس، «خانه‌ای روحانی، کهانتی مقدس». صندوقچه همان خانه روحانی است و جواهر همان کهانت‌اند. از این رو رؤیای میلر در صفحه «۸۱» ثبت شده است؛ نمادی از کاهن اعظم الهی در ترکیب با هشتاد کاهن بشری.

در رؤیای میلر، مرد جاروی گردوغبار آوردن جواهرات را به تصویر می‌کشد (که همان اعشار اشعیا و هدایای ملاکی است)، آنگاه که او جواهرات را به درون هیکل می‌افکند، که همان خانه‌خزانه است، که همان صندوقچه است. غالباً دو پرسش در ارتباط با فرشته دوم مطرح است، و آزمون امگا همان فرشته دوم است، در نسبت با آزمون آلفا و سومین آزمون لیتموس. دعوت، دعوت به بازگشت است، و بازگشت با آوردن تمامی اعشار و هدایا به خانه‌خزانه نشان داده می‌شود، تا در خانه او خوراک باشد. دو پرسش در این‌جا این است: «خوراک» چیست؟ و «خانه‌خزانه» چیست؟

این‌که جواهر فرستادگان‌اند یا جواهر خود پیام‌اند، تعیین می‌کند که آن دو پرسش چگونه پاسخ داده می‌شوند. اگر مراد فرستادگان باشد، آنان همان عشر تشکیل‌دهنده هیکل‌اند، یعنی هیکلی که همواره در مرحله دوم برپا می‌گردد. و اگر مراد پیام باشد، آن پیام، پیام فریاد نیمه‌شب است که به منزله سنگ رأس هیکل به کمال رسانده می‌شود، و نیز قدرت‌یابی پیام فرشته دوم.

و گفت: از این سبب مرد پدر و مادر خود را ترک خواهد کرد و به زن خویش خواهد پیوست، و آن دو یک تن خواهند شد؟ از این رو دیگر دو تن نیستند، بلکه یک تن‌اند. پس آنچه را خدا به هم پیوسته است، انسان جدا نسازد. متی ۱۹:۵، ۶.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

توجهم به اعلام ظهور نخستین مسیح معطوف شد. یوحنا در روح و قدرت ایلیا فرستاده شد تا راه عیسی را آماده کند. کسانی که شهادت یوحنا را رد کردند، از تعالیم عیسی بهره‌ای نبردند. مخالفتشان با پیامی که آمدن او را از پیش خبر می‌داد، ایشان را در موقعیتی قرار داد که نتوانند به آسانی قوی‌ترین دلایل اینکه او مسیح است را بپذیرند. شیطان کسانی را که پیام یوحنا را رد کرده بودند واداشت که فراتر روند: مسیح را رد کنند و او را مصلوب سازند. با این کار، خود را در جایی قرار دادند که نتوانستند برکت روز پنتیکاست را دریافت کنند؛ برکتی که می‌توانست راه ورود به قدس آسمانی را به آنان بیاموزد. دریده شدن پرده هیكل نشان داد که قربانی‌ها و فرایض یهودی دیگر پذیرفته نخواهند شد. قربانی بزرگ تقدیم و پذیرفته شده بود، و روح القدس که در روز پنتیکاست نازل شد، ذهن‌های شاگردان را از قدس زمینی به آسمانی برد؛ جایی که عیسی با خون خود داخل شده بود تا منافع کفاره خویش را بر شاگردانش فرو بریزد. اما یهودیان در تاریکی مطلق رها شدند. آنان همه نوری را که می‌توانستند درباره طرح نجات داشته باشند از دست دادند و همچنان به قربانی‌ها و هدایای بی‌فایده خود اعتماد کردند. قدس آسمانی جای قدس زمینی را گرفته بود، اما آنان از این تغییر آگاهی نداشتند. از این رو نمی‌توانستند از شفاعت مسیح در مکان مقدس بهره‌مند شوند.

بسیاری با وحشت به رفتار یهودیان در رد و به صلیب کشیدن مسیح می‌نگرند؛ و چون تاریخ بدرفتاری شرم‌آوری را که با او شد می‌خوانند، می‌پندارند که او را دوست دارند و مانند پطرس او را انکار نمی‌کردند یا مانند یهودیان او را به صلیب نمی‌کشیدند. اما خدایی که دل‌های همه را می‌خواند، همان محبتی را که ادعا می‌کردند نسبت به عیسی دارند، به آزمایش گذاشته است. تمام آسمان با عمیق‌ترین علاقه نظاره‌گر چگونگی پذیرش پیام فرشته نخستین بود. اما بسیاری از آنان که مدعی محبت به عیسی بودند و هنگام خواندن داستان صلیب اشک می‌ریختند، مژده آمدنش را به ریشخند گرفتند. به جای آنکه پیام را با شادی بپذیرند، آن را توهمی اعلام کردند. از کسانی که ظهور او را دوست می‌داشتند نفرت ورزیدند و آنان را از کلیساها بیرون راندند. آنان که پیام نخست را رد کردند، نتوانستند از پیام دوم بهره‌مند شوند؛ و نیز از فریاد نیمه‌شب، که قرار بود ایشان را مهیا سازد تا با ایمان، همراه با عیسی، به قدس‌الاقداص مقدسه آسمانی وارد شوند، بهره‌ای نبردند. و با رد آن دو پیام پیشین، فهم خود را چنان تیره کرده‌اند که در پیام فرشته سوم، که راه ورود به قدس‌الاقداص را نشان می‌دهد، هیچ نوری نمی‌بینند. دیدم همان‌گونه که یهودیان عیسی را به صلیب کشیدند، کلیساهای اسمی نیز این پیام‌ها را به صلیب کشیده‌اند؛ از این رو از راه ورود به قدس‌الاقداص هیچ آگاهی ندارند و نمی‌توانند از شفاعت عیسی در آنجا بهره‌مند شوند. همچون یهودیان که قربانی‌های بی‌حاصل خود را تقدیم می‌کردند، ایشان نیز دعا‌های بی‌حاصلشان را به بخشی تقدیم می‌کنند که عیسی آن را ترک کرده است؛ و شیطان، که از این فریب‌خشنود است، سیمایی دینی به خود می‌گیرد و اندیشه‌های این مسیحیان اسمی را به سوی خود می‌کشاند و با قدرت خود، آیات و شگفتی‌های دروغینش عمل می‌کند تا آنان را در دام خود استوار نگاه دارد. نوشته‌های نخستین، ۲۵۹-۲۶۱.